

در این مملکت قدرت دارم

۱۸ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۴:۲۸

ناراحت نباش شوهرت هیچ غلطی نمیتواند بکند چون من در این مملکت آن قدر قدرت دارم که شوهرت را به عنوان تریاکگشی به زندان بیندازم و از طرفی فکر میکنم این تلفن از طرف هلن باشد که مستخدمه من بود ...



خانم مقام شعله با ناصرد و بالاشفتن تماس گرفت و اظهار داشت موضوع روایت مارافیسید ۴ اند چون شوهرم میگفت چند روز قبل خانم شفتن بخون ما رفتن کرده و به بهرام (شوهرم) گفته که مواظب به خانم باش چون ما بیسار (سوزه) روایت نامشروعی دارد. القلم در زمین تنیس باشگاه تاج باشد بگر قبل و قرار میگذازند چند بار تنیس بازی کنیم و بارها بخونش که متعلق به زاهدی است و مواظب باش که این تنیس بازی تمام چیزها را بشوهرم گفته بعد اتم این است که اینقدر مواظب حال است نگریم کارشمن باشد که آن روز وقت تنیس بازی باشگاه من سوار ماشین شادم مارا بدد باشد از آن روز بعد بهرام بمن سوزه ظن پیدا کرده و از حرکتش معلوم است که خیلی ناراحت است و قبل از ظهرها بخون تلفن میگفت تا به بعد من بهرام رفته ام خانه اگر خدای نکرده موضوع روایت مارافیسید چون نوبت شاری است حتماً مرا میگرداند اصلاح است روز و شب من تنیس بازی کنم چون مراسم متوجه شد براتش خوب کند.

سوزه اظهار داشت ناراحت تماس شوهرت هیچ غلطی نمیتواند بکند چون من در این مملکت آند قدرت دارم که شوهرت را میتوان ترسانه کنی بزند ان بهاند ازم و او شرطی نگریم این تلفن از طرف هلن باشد که مستخدمه من بود بیشتر موضع خانه آتشیاید و اخبار چون نهاد مشروب میخورد از خانه اخراج کردم و موقعی که بخون من میآمدی شد اراد بدد بود و شماره تلفن بیشتر دوستان مرا بد است نماداً نما ناراحت نماش صلاح است که این هفتک همه بگیرا ملاقات نکنم من سه شنبه بشما تلفن میکنم.

ملاحظاتی: سوزه با بیشتر زنان شوهر دار روایت نامشروعی دارد و از تلفن آنها چنین استنباط میگرد که ناصرد (شعله) یکی از بزرگان تنیس باشگاه تاج بود که دارای شوهری بنا به پراپت به شاری میباشد.
۱۳۰-۴۶

خانمی به نام شعله با نامبرده بالا تلفنی تماس گرفت و اظهار داشت: موضوع روابط ما را فهمیده‌اند. چون شوهرم مآگفت چند روز قبل خانمی به منزل ما تلفن کرده و به بهرام (شوهرم) گفته که مواظب خانمت باش چون با تیمسار (سوژه) روابط نامشروعی دارد. اغلب در زمین تنیس باشگاه تاج با همدیگر قول و قرار مآگذرانند. چند بار به تنهایی به منزل تیمسار رفته و بارها به منزلی که متعلق به زاهدی است و محل عیش و عشرت است، زن تو با تیمسار به آنجا رفته است. تمام جزئیات ما را به شوهرم گفته؛ نمآدانم این زن کیست که این قدر مواظب ما است فکر مآکنم کار شهین باشد که آن روز موقعی که جلو باشگاه من سوار ماشین شما شدم، ما را دیده باشد. از آن روز به بعد بهرام به من سوءظن پیدا کرده و از حرکاتش معلوم است که خیلی ناراحت است و قبل از ظهرها به منزل تلفن مآکند تا ببیند من بیرون رفته‌ام یا نه. اگر خدای نکرده موضوع روابط ما را بفهمد چون لر بختیاری است حتما مرا مآکشد لذا اصلح است روز دوشنبه من به آنجا نیایم چون-مآترسم متوجه شده، مرا تعقیب کند. سوژه اظهار داشت: ناراحت نباش شوهرت هیچ غلطی نمآتواند بکند چون من در این مملکت آن قدر قدرت دارم که شوهرت را به عنوان تریاککشی به زندان بیندازم و از طرفی فکر مآکنم این تلفن از طرف هلن باشد که مستخدمه من بود و بیشتر به وضع خانه آشنا بوده و اخیراً چون زیاد مشروب مآخورد از خانه اخراج کردم و موقعی که به منزل من مآآمدی شما را دیده بوده و شماره تلفن بیشتر دوستان مرا مآدانست. فعلاً ناراحت نباش صلاح است که این هفته همدیگر را ملاقات نکنیم. من سه شنبه به شما تلفن مآکنم.

ملاحظات : سوژه با بیشتر زنان شوهردار روابط نامشروعی دارد و از تلفن آنها چنین استنباط مآگردد که نامبرده (شعله) یکی از بازیکنان تنیس باشگاه تاج بوده که دارای شوهری [است] به نام بهرام که بختیاری مآباشد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۹۵۲۴/این-مملکت-دارم-قدرت-مملکت-این-۲۹۵۲۴>